پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۷۹-۱۰۱ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 37, Autumn &Winter 2025/2026

رویکرد انتقادی قرآن نسبت به خشونت علیه زنان با گونه‌شناسی آیات مرتبط

مائده بنی طالبی[۱]، قاسم درزی[۲]، مصطفی مرادی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹)

چکیده

خشونت علیه زنان یک موضوع جهانی است که زنان با هر دین و عقیده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این مسئله در ارتباط با دین اسلام برجسته‌تر از بقیه ادیان مطرح شده است، زیرا برخی از آیات قرآن به گونه‌ای تفسیر شدند که گویی موید خشونت علیه زنان هستند. این درحالی است که تاکنون آیات مرتبط با خشونت علیه زنان به‌طور کامل بررسی نشده‌اند. برای آنکه بتوان دیدگاه کلی قرآن را نسبت به این مسئله روشن کرد می‌بایست تمام آیات که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به زنان مربوط می‌شوند را بررسی کرد. از این‌رو پژوهش حاضر برآن است تا با استخراج آیات مرتبط با خشونت علیه زنان و بررسی گونه‌های مختلف با روشی کل نگر، چشم‌انداز آن را از منظر قرآن مورد بررسی قرار دهد. از این‌رو آیات مرتبط، استخراج شده و سپس برچسب‌گذاری شده و آیات با موضوع مشابه در دسته‌های مشابه قرار گرفته‌اند. اهم این گونه‌ها عبارتند از: آیات مرتبط با خشونت روانی، خشونت جسمی، خشونت جنسی و خشونت از نوع محرومیت. بررسی و ارزیابی چهار دسته فوق الذکر حاکی از آن است که اولا رویکرد انتقادی قرآن نسبت به انواع خشونت علیه زنان در قرآن غلبه دارد، ثانیاً در گونه‌های مختلف خشونت علیه زنان، راهکارهای عملیاتی و اجرایی برای تقلیل این خشونت‌ها و نهایتاً حذف آنها از جامعه پیشنهاد شده است. همچنین در این پژوهش به تفکیک خشونت مثبت و منفی یعنی خشونت‌های سازنده و مخرب توجه شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، زن، خشونت روانی، خشونت جسمی، خشونت جنسی، رویکرد انتقادی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی گرایش اعجاز، پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ Maedeh.b1377@gmail.com

۲. استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ gh_darzi@sbu.ac.ir

۳. استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، m_moradi@sbu.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۱. بیان مسأله

زنان یکی از ارکان اساسی جوامع بشری هستند و نقش مهمی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفا کرده‌اند (عباسی و رضایی، ۲۲۶/۲؛ رجبی، ۳۳/۲). با این حال، در طول تاریخ، همواره در معرض اشکال گوناگون خشونت قرار داشته‌اند (محمدی و میکاییلی، ۳۲/۲؛ زارا و همکاران، ۱۳). عوامل مختلفی در شکل‌گیری خشونت علیه زنان نقش دارند. در بسیاری از جوامع، این خشونت‌ها نه صرفاً به‌عنوان خشونت بین فردی، بلکه به‌عنوان عاملی ریشه‌دار در باورهای اجتماعی، فرهنگی و دینی مورد توجه قرار می‌گیرند. این عامل، که گاه در طول نسل‌ها بازتولید شده است، می‌تواند در عادی‌سازی یا حتی توجیه این خشونت‌ها نقش ایفا کند (یکه کار و حسینی، ۴۱/۱۶). از میان خشونت‌های اعمال شده بر روی زنان، برخی از آنها به شکل خاص ریشه در سنت‌های دینی دارند. دین به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگزار بر نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی همواره در مرکز توجه پژوهش‌های مرتبط با حقوق زنان قرار گرفته است (ماری و سیندی، ۵؛ یاراحمدی و همکاران ۳۹۴/۲). به عبارتی دیگر، برداشت‌های مختلف از متون دینی می‌تواند به نحوه برخورد با زنان تاثیر زیادی داشته باشد. در این شرایط، آموزه‌های اسلام به‌شکل خاص مطرح می‌شوند، زیرا تفسیرهای گوناگون از آیات قرآن منجر به برداشت‌های متفاوت و گاه نادرست از حقوق زنان و نحوه تعامل با آن‌ها شده است (عنایتی‌راد و همکاران، ۱۰۰/۲ غزالی، ۳۱/۲). به عنوان مثال برخی با استناد به آیاتی که درباره روابط زناشویی و مسئله قوامیت مردان هستند، استدلال می‌کنند که قرآن در برخی موارد، زمینه را برای اعمال خشونت علیه زنان فراهم می‌سازد. (سمحرانی، ۱۵۵-۱۶۳) در حالی‌که برخی دیگر معتقدند که قرآن هیچ‌گونه خشونتی را مدنظر نداشته و آیات به‌دنبال حفظ کرامت و حقوق زنان هستند (ویسی و شریعتی، ۱۵۱/۲).

با توجه به برداشت ظاهری از چنین آیاتی ممکن است برخی استنباط کنند که قرآن در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

قبال زنان موضع خشونت‌آمیزی اتخاذ کرده‌است. امّا سوال اساسی که به وجود می‌آید این است که آیا می‌توان با استناد به چند آیه، نگرشی کلی درباره موضع قرآن در ارتباط با زنان ارائه داد؟ بنابراین این پژوهش به دنبال آن است تا با بررسی کل‌نگر نسبت به قرآن و استخراج تمامی گونه‌های خشونت نسبت به زنان در متن آن، به این سوال پاسخ دهد که پراکندگی گزاره‌های مرتبط با خشونت نسبت به زنان در گونه‌های مختلف خشونت چگونه است؟ و تحلیل این گونه‌ها در قرآن چه وضعیتی را پیش روی ما قرار می‌دهد؟

۲. مقدمه

قبل از پرداختن به مقاله ذکر چند نکته مقدماتی ضروری است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

بی‌شک بدون در نظر گرفتن تمام آیات مرتبط با زنان، نمی‌توان برداشت کرد که قرآن به شکل کلی، نگاهی تاییدکننده به خشونت علیه زنان دارد یا بر اعمال آن توصیه کرده است. در واقع تحلیل باید با در نظر گرفتن کلیت آموزه‌های قرآنی صورت پذیرد تا از برداشت‌های گزینشی و تقلیل‌گرایانه اجتناب شود. چنین تحقیقی از آن جهت اهمیت دارد که پژوهشگر را قادر می‌سازد با اتخاذ رویکردی کل‌نگر به تمام آیات قرآن و دسته‌بندی آنها، تصویر جامعی از آیات مرتبط با خشونت نسبت به زنان داشته باشد و مبتنی بر آن، تحلیلی جامع نسبت به این مسئله داشته باشد.

۲-۲. پیشینه و ذکر نوآوری

پژوهش‌های بسیاری پیرامون خشونت علیه زنان در متون دینی خصوصا قرآن انجام گرفته است. به عنوان نمونه نوبری (۲۵۹/۲) به بررسی آیات مرتبط با خشونت علیه زنان پرداخته و تلاش کرده است تا شبهه ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء را تحلیل کند. وی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نشان می‌دهد که این آیه تجویزی برای خشونت خانوادگی نیست و قرآن کریم به‌طور کلی خشونت را تأیید نمی‌کند. همچنین، در این پژوهش مباحث لغوی و مفهومی مرتبط با خشونت بررسی شده و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه تحلیل شده‌اند. مقاله مذکور به تحلیل یک آیه (النساء، ۳۴) تمرکز دارد.

افزادی و برغمدی (۴۶/۲) به بررسی تاریخی، فرهنگی و فقهی خشونت علیه زنان پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تا عوامل مؤثر بر خشونت را از منظر آیات قرآنی و متون فقهی ارزیابی کنند. همچنین بیان می‌کنند که قرآن چگونه برخی از سنت‌های خشونت‌آمیز جاهلی را اصلاح کرده و همچنین برخی از احکام فقهی مانند قصاص و تعزیر از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده‌اند.

ثاقب حسین (۶۶/۲۳) نیز به بررسی آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته و با بهره‌گیری از روش‌های ادبی، لغوی و بینامتنی استدلال می‌کند که قوامیت در این آیه فقط به معنای مسئولیت مالی مردان نسبت به زنان است. همچنین با بررسی واژه نشوز در قرآن، متون پیشا اسلامی و احادیث نشان می‌دهد که این واژه به معنای خیانت زناشویی است. نویسنده نتیجه می‌گیرد، مجازات نشوز باید با احکام سوره نور فهمیده شود و در جمع‌بندی معتقد می‌شود، نشوز با «خیانت زن به مرد» و زِنای او با مردی دیگر تفسیر می‌شود و «زدن» نیز مبتنی بر حکم قاضی و بعد از شهادت ۴ عادل به این فحشاء را معتبر می‌داند.

رییس الساداتی (۱۵۸/۱) نیز به بررسی تفسیری آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته و معتقد است که این آیه در چارچوب تنظیم روابط خانوادگی قرار دارد و نه تأیید خشونت. و همچنبن بیان می‌کند که مفهوم ضرب در آیه با گفتمان رایج درباره خشونت علیه زنان تفاوت دارد و نباید آن را به‌عنوان مجوز خشونت تفسیر کرد.

چنانچه بررسی‌ها نشان می‌دهد غالب تحقیقات به بررسی تعداد محدودی از آیات مرتبط پرداخته‌اند یا صرفاً به جنبه خاصی از خشونت علیه زنان متمرکز شده‌اند.

بنابراین از آنجایی که به رویکرد کل نگر قرآن به این موضوع توجه نشده است، این

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

رخنه معرفتی موجب شده تصویری جامع و منسجم از دیدگاه قرآن نسبت به خشونت علیه زنان تاکنون ارائه نشده باشد. از این‌رو ضروری است با اتخاذ رویکردی جامع و تحلیلی تمام آیات مرتبط با خشونت علیه زنان گرداوری، بررسی و تحلیل شوند. پرداختن به این موضوع علاوه بر ابهاماتی که پیرامون رفتار با زن در اسلام را رفع می‌کند می‌تواند در فهم صحیح آموزه‌های قرانی موثر باشد.

در فرایند مطالعه آیات مرتبط با خشونت، این نکته مورد توجه قرار گرفته است که خشونت ممکن است به شکل مثبت یا منفی تجلی یابد. گاهی از این تمایز با عنوان خشونت خوب و بد نیز یاد می‌شود. منظور از خشونت منفی، آن دسته از رفتارهایی است که به شر، آسیب و تحقیر منجر می‌شود؛ در حالی‌که خشونت مثبت ناظر به مواردی است که با هدف اصلاح، پیشگیری از ظلم، یا بازدارندگی انجام می‌گیرد. به عنوان مثال، شکی نیست که قتل مصداقی از خشونت است؛ اما قصاص در قرآن که برای تحقق عدالت و جلوگیری از تکرار جنایت تشریع شده است، گرچه از جنس خشونت است، اما نمی‌توان آن را در زمره خشونت‌های منجر به شر قرار داد. به عبارتی، شر و خشونت رابطه عموم و خصوص من وجه دارند (درزی و بنی‌طالبی، ۴۱).

در استخراج آیات مرتبط با زنان به هر دو نوع مذکور توجه شده است و تمایز مفهومی قائل شده است، تا با رویکرد برون دینی، رویکرد کلی قرآن به این مسئله روشن شود.

۲-۳. روش تحقیق و بررسی مفاهیم کلیدی

برای مطالعه این موضوع در بستر قرآنی، ابتدا لازم است مفهوم خشونت علیه زنان به‌درستی تبیین شود: سازمان ملل متحد (۲۷۷) خشونت علیه زنان را اینگونه بیان می‌کند: هر عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت، که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی به زنان شود. از نگاه ریشترز (۸۰)، خشونت علیه زنان به هرگونه عمل یا تهدید گفته می‌شود که برای صدمه‌زدن یا آسیب‌رساندن به زنان از نظر جسمی، جنسی یا روانی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

صورت می‌گیرد و زنان را به دلیل زن بودن تحت تاثیر قرار می‌دهد. دوباش (۱۵) خشونت علیه زنان را کلمه یا مفهومی می‌داند که دربردارنده آزار کلامی، ارعاب، آزار و اذیت فیزیکی، تجاوز جنسی و... باشد. تعاریف دیگری نیز برای خشونت علیه زنان ارائه شده است که تقریبا مشابه یگدیگرهستند. به‌شکل کلی با توجه به تعاریف، خشونت علیه زنان را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها یا گفتارهایی دانست که با محدودیت یا آسیب به هرنحوی، موجب نقض حقوق زنان و ایجاد نابرابری در موقعیت‌های مختلف می‌شود.

در این پژوهش، پس از بررسی تعاریف مختلف از خشونت علیه زنان در منابع معتبر، چارچوبی کلی برای شناسایی مصادیق خشونت بر اساس آسیب‌های جسمی، روانی، جنسی و محرومیت طراحی شد. براساس این چارچوب مفهومی، آیات قرآن‌کریم به‌شکل کامل مورد مطالعه قرار گرفتند و تمامی آیاتی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم ناظر به اعمال خشونت علیه زنان بودند، استخراج شدند. این آیات، صرف‌نظر از فاعل خشونت، تنها بر اساس وجود خشونت علیه زنان انتخاب شدند.

در فرآیند استخراج آیات، به‌جای اتکا به کلیدواژه‌ها، از رویکردی مفهومی استفاده شد؛ بدین معنا که انتخاب آیات نه بر مبنای واژگان به‌کار رفته در آن‌ها، بلکه با تمرکز بر محتوای معنایی و دلالت ضمنی آن‌ها نسبت به خشونت صورت گرفت. این رویکرد امکان شناسایی مواردی را فراهم ساخت که خشونت در آن‌ها به‌شکل تلویحی، ضمنی یا ساختاری مطرح شده بود. آیات شناسایی‌شده در جدولی تنظیم و محتوای هر یک بررسی گردید. در مواردی که دلالت آیه نیازمند تبیین تفسیری بود، به تفاسیر معتبر مراجعه شد. در انتها نیز این تحلیل مبتنی بر آیات در هر دسته صورت گرفت که نگاه تاییدی یا انتقادی نسبت به خشونت در آنها وجود دارد و در مجموع نگاه کلی و برآیند دلالی آیات نسبت به این موضوع به دست آمد.

۳. دسته‌بندی آیات موهم خشونت علیه زنان در قرآن

با بررسی محتوای آیات و براساس شباهت‌های معنایی و مفهومی، آیات در چهارگونه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

اصلی دسته‌بندی می‌شوند: روانی، محرومیت، جسمی و جنسی.

در بخش‌های بعدی، هر یک از گونه‌های خشونت به‌صورت تفصیلی تعریف و با استناد به مصادیق قرآنی تبیین شده‌اند؛ با این حال، در این بخش تمایز کلی میان گونه‌ها ارائه می‌گردد: خشونت روانی ناظر به آسیب‌هایی است که متوجه روح و روان فرد می‌شود، مانند تهدید، تحقیر یا سرزنش؛ خشونت ناشی از محرومیت به معنای سلب فرصت‌ها یا حقوقی است که فرد می‌توانسته از آن بهره‌مند شود؛ خشونت جسمی به صدمات بدنی و فیزیکی مانند ضرب و شتم دلالت دارد؛ و خشونت جنسی به برقراری رابطه جنسی به اجبار، بهره‌کشی یا هر گونه تعرض جنسی نسبت به زنان گفته‌می‌شود که معمولاً با اعمال فشار یا قدرت همراه است.

در انتها، تلاش شده است با ترسیم روابط میان گونه‌ها و بررسی فراوانی و توزیع آن‌ها، رویکرد کلی قرآن نسبت به پدیده‌ی خشونت علیه زنان تبیین گردد.

۳-۱. خشونت جسمی علیه زنان در قران

خشونت جسمی علیه زنان یکی از بارزترین اشکال خشونت است که در موقعیت‌های گوناگون رخ می‌دهد. این نوع خشونت که با اعمال نیروی فیزیکی همراه است می‌تواند از رفتارهای به‌ظاهر کم‌خطر تا اعمالی که موجب صدمات شدید می‌شود، گسترش یابد. این رفتارها بسته به شدت و تکرار، ممکن است تأثیرات کوتاه‌مدت یا بلندمدت بر سلامت افراد داشته باشند. خشونت جسمی به هر نوع عملی گفته می‌شود که از طریق تماس فیزیکی موجب ضربه و آسیب به بدن شود. برخی از اشکال خشونت فیزیکی عبارت‌اند از: ضرب‌وشتم با دست یا اشیاء، کشیدن مو، هل دادن و کوباندن به دیوار (بونامیگو و همکاران، ۲۷).

در ارتباط با قرآن، هنگامی که سخن از خشونت جسمی علیه زنان به میان می‌آید، نخستین آیه‌ای که به ذهن بسیاری خطور می‌کند، آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء است: «**الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ**

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيراً» برداشت ظاهری از این آیه، به دلیل وجود واژه‌ی "وَاضْرِبُوهُنَّ"، این است که آیه به مردان اجازه‌ی اعمال خشونت جسمی علیه زنان را داده است. این برداشت، که بر اساس معنای رایج "ضرب" به‌معنای "زدن" شکل گرفته (احمدبن فارس، ۳۹۷/۳)، در طول تاریخ محل بحث و مناقشه بوده است. برخی پژوهشگران بر این باورند که واژه‌ی "ضرب" در این آیه به معنای تنبیه بدنی نیست، بلکه معانی دیگری دارد که با سیاق آیه و روح کلی تعالیم قرآن هماهنگ‌تر است (فتاحی‌زاده و همکاران، ۱۴۹/۴۰). در ارتباط با این آیه با تأمل در ساختار آن، می‌توان دریافت که دستور به برخورد با افراد ناشزه، به‌صورت تدریجی و مرحله‌مند ارائه شده است؛ نخست، موعظه به‌عنوان ابتدایی‌ترین و نرم‌ترین شکل واکنش مطرح شده‌است؛ موعظه را می‌توان تلاشی کلامی و مسالمت‌آمیز دانست که هدف آن بازگرداندن آرامش به فضای رابطه است؛ پس به عبارتی نقطه‌ی مقابل خشونت روانی و حتی نوعی «محبت زبانی» می‌توان تعبیر کرد. در مرحله‌ی دوم، آیه توصیه به هجرت از بستر می‌کند: «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ». این عبارت، اشاره به نوعی محرومیت عاطفی و جنسی دارد که بدون تماس فیزیکی، پیام نارضایتی را منتقل می‌کند.

تنها در سومین مرحله و پس از طی دو گام پیشین، از واژه‌ی «وَاضْرِبُوهُنَّ» استفاده شده است. صرف‌نظر از اختلاف‌نظرها در تفسیر این واژه، آن‌چه مسلم است ترتیب ذکر شده در آیه، نوعی پیشگیری از شتاب‌زدگی در واکنش‌های خشن و تأکید بر حل مسئله، از طریق روش‌های کم آسیب‌تر در وهله‌ی اول را نشان می‌دهد. ثاقب حسین نیز با رویکردی بینامتنی به این آیه پرداخته و تحلیلی دقیقتر از آنچه پیش از این مطرح شده، ارائه داده است. از دیدگاه او و با مراجعه به پیش زمینه‌های عهدینیِ آیه، نشوز در اینجا نه به معنایِ رویگردانی زن از مرد، بلکه به معنای خیانت زن به شوهر و زنایِ او است. و «زدن» در این آیه نیز مجازاتی است که از ناحیه حاکم شرع و بعد از شهادت ۴ عادل نسبت به این

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

گناه صورت می‌پذیرد (نکـ : ثاقب حسین، ۶۶/۲۳). به هر روی مرتبط با پژوهش ما، چـه ضرب در این آیه به تنبیه بدنی از جانب شوهر تفسیر شود، و چه مجازاتی از جانب حـاکم شرع برای خیانت جنسی همسر، خشونت جسمی علیه زنان بتنی بر این آیه قابل مشـاهده است. تنها در صورتی که تفسیری از زدن برای «ضرب» در نظر گرفته شود که معنای رایج «زدن» از آن برداشت نشود، خشونت جسمی منتفی خواهد بود. به نظر می‌رسد تفسیر اخیر از جهت دلایل و مستندات، اولویت کمتری نسبت به دو معنای اول داشته باشد.

با این حال، برای دستیابی به تصویری جامع و دقیق از رویکرد کلـی قـرآن نسـبت بـه مسئله‌ی خشونت جسمی علیه زنان، نمی‌توان بـه یـک آیـه‌ی خـاص بسـنده کـرد. بلکـه ضروری است تمامی آیات مرتبط مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان قضاوتی مستند و دقیـق درباره‌ی موضع قرآن در زمینه خشونت جسمی علیه زنان ارائه داد (نمونه دیگر در ارتبـاط با ضرب زنان آیه ۴۴ سوره ص است[۱]. همچنین آیه ۳۱ و۵۰ یوسف به شکل غیر صریح به خشونت جسمی اشاره دارد[۲]).

جنبه‌ای دیگر از خشونت جسمی علیـه زنـان در قـرآن، در آیـه‌ی ۸ سـوره‌ی تکـویر منعکس شده‌است: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَت» این آیه به یکی از مظـاهر خشـونت سیسـتماتیک علیه زنان در دوره‌ی جاهلی اشاره دارد؛ یعنی سنت ناپسند زنده‌به‌گور کردن دختران که در میان برخی از اعراب آن زمان رایج بود. در این آیه، توبیخ شدیدی نسبت به قاتل آن دختر دیده می‌شود و هم‌زمان زمینه‌چینی برای آن اسـت کـه دختـر جـرأت یابـد و از خداونـد درخواست کند تا انتقام خون او را بگیـرد (طباطبـایی، ۳۵۰/۲۰). همـانطور کـه مشـخص

---

۱. وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ: این آیه دلالت برآن دارد که در مواجهـه با سوگند بر اعمال خشونت، راهی برای تعدیل و پیشگیری از آسیب به زنان وجود دارد.

۲. فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

ـ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ: در این دو آیه خشونت جسمی به شکل غیرمستقیم و از طریق فریب زلیخا انجام شد، کـه باعـث بریدن دست‌های زنان بدون دخالت مستقیم صورت گرفت.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

است، رویکرد نسبت به کشتن دختران، تقبیح این عمل است، چرا که آیه، به‌شکل ضمنی قاتلین را سرزنش و از این عمل انتقاد می‌کند. (طبرسی، ۳۲۹/۲۶). در همین راستا، می‌توان به عبارت «وَلَا تَقْتُلُواْ أَوْلَادَكُم» در آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی اسراء[۱] نیز اشاره کرد. هرچند این آیه مستقیماً به خشونت علیه زنان و دختران نمی‌پردازد، اما نهی از قتل فرزندان، به‌صورت کلی، شامل دختران نیز می‌شود. از این‌رو، می‌توان آن را در زمره‌ی آیاتی دانست که بر منع اعمال خشونت جسمی نسبت به آنان دلالت دارد.

بخشی از خشونت جسمی علیه زنان در آیات، به مجازات‌ها مربوط است. به عنوان نمونه آیه ۲ سوره نور «فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» به مسئله‌ی خشونت جسمی در برابر عمل زنا اشاره دارد. این آیه، به صراحت دستور به شلاق‌زدن افراد زناکار (زن و مرد) می‌دهد. نکته‌ی مهم این است که این حکم، نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز وضع شده است. درواقع، این آیه می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از برابری زن و مرد در برابر قانون تلقی شود، زیرا مجازات یکسانی برای هر دو جنس در نظر گرفته شده است. در آیه‌ی دیگری (النساء، ۱۶)[۲] نیز، می‌توان نمونه‌هایی از مجازات جسمی را مشاهده کرد؛

یکی درباره‌ی «امرأة نوح و امرأة لوط»[۳] که به‌دلیل خیانت به مسیر رسالت، مستحق عذاب شدند، و دیگری در مورد «نساء النبی»[۴]، که آیه بیان می‌کند، زنان پیامبر در صورت

---

۱. وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

۲. وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا

۳. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (التحریم،۱۰)

ـ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (الشعراء، ۱۷۱)

ـ قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (هود،۸۱)

ـ قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (العنکبوت، ۳۳)

ـ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (الاعراف، ۸۳)

ـ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (الحجر، ۶۰)

۴. يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (الاحزاب، ۳۰)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

ارتکاب فحشا، عذاب‌شان دوچندان خواهد بود. این موارد نشـان مـی‌دهنـد کـه در منطـق قرآن، معیار مجازات، عمل فرد است و عدالت الهی بدون استثنا و توجه به خـانواده پیـامبر بودن، اجرا می‌شود. (برای نمونه‌ای دیگر نکـ : مسد، ۴[۱])

بررسی آیات مرتبط با خشونت جسمی نشان می‌دهد که در برخی موارد، برای اصـلاح رفتار زنان، مراحل تدریجی و یا بهره‌گیری از روش‌های کم‌آسیب‌تر توصیه شده و تنهـا در شرایط خاص، استفاده‌ی محدود از خشونت جسمی بیان شده است. در مقابـل، شـماری از آیات بر ضرورت پرهیز از رفتار خشن نسبت به زنان و حفظ کرامت انسـانی آنـان تأکیـد دارند. همچنین، در موارد مرتبط با مجازات‌ها، عدالت و برابری میان زن و مرد رعایت شده و ملاک سنجش، عملکرد فرد محسوب می‌شود. بنابراین پیرامون خشونت جسمی می‌تـوان نتیجه گرفت که صرفاً در موارد نادری شاهد توصیه به خشونت جسمی علیه زنـان هسـتیم که همین موارد نادر نیز با تبیین‌های دقیقی که اخیراً پیرامون آن‌هـا صـورت گرفتـه اسـت تاویل‌پذیر هستند. دیگر آیات نیز یا مجازاتی با در نظر گرفتن عـدالت جنسـیتی بـوده یـا نگاهی انتقادی نسبت به خشونتِ جسمی رایج در دوران پیامبر (ص) را متضمن هستند.

۳-۲. خشونت روانی در قران

برخلاف خشونت جسمی که در بسیاری از جوامع قابـل تشـخیص و پیگیـری قـانونی است، خشونت روانی نامحسوس باقی می‌ماند و در روابط روزمره، محیط خانواده یا جامعه به اشکال مختلفی بروز می‌کند، بدون آنکه به‌راحتی مورد شناسایی یا واکنش قـرار بگیـرد. خشونت روانی را می‌توان به‌عنوان الفاظ و اعمالی تعریف کرد که بـا هـدف ایجـاد صـدمه انجام می‌شود و اشکال مختلفی دارد، از جملـه آزار کلامـی، فریـاد زدن، تهدیـد، ارعـاب، سرزنش، تمسخر و موارد مشابه (گزارش شورای اروپا از خشونت روانی، ۳۱). به عبـارت دیگر، این نوع خشونت شامل رفتارهایی است که از نظر عاطفی بر قربانی تأثیر می‌گذارنـد

---

۱. وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (مسد، ۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

و احساس ناامنی، ترس یا تحقیر را در او ایجاد می‌کنند (جوزف‌پور و همکاران، ۲۲). قرآن کریم که به ابعاد مختلف روابط انسانی پرداخته، در آیات متعددی بـه شـیوه‌هـای رفتـاری اشاره کرده که می‌توان آنها را ذیل گونه خشونت روانی در نظر گرفت[۱]:

نمونه‌ای از خشونت روانی را می‌تـوان در قالـب «اتهـام فحشـاء بـه زنـان» در آیـات متعددی از قرآن مشاهده کرد: آیه ۴ سوره نور اتهام ناروا نسبت به زنـان پاکـدامن را بیـان می‌کند: «**وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ**»؛ این آیه به افرادی اشاره دارد که زنان را متهم به بـی‌عفتـی می‌کنند، اما برای ادعای خود شاهد کافی ندارند؛ تهمت‌زدن، نوعی خشونت روانی محسوب می‌شود که می‌تواند منجر به آسیب شدید روحی و اجتمـاعی بـرای زنـان شـود. ایـن آیـه صراحتا رویکردی انتقادی با این نوع ازخشونت را ترویج می‌کند، زیرا برای جلـوگیری از چنین رفتارهایی، مجازاتی سخت وضع کرده است. آیه مشابه دیگری نیز به چنین اتهامی از سوی همسر پرداخته است: «**وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ**» (النور، ۶). در اینجـا، آیـه بـرای جلـوگیری از اتهامات نادرست، شرط شهادت‌های مکرر و لعـان را مطـرح کـرده کـه نشـان از رویکـرد بازدارنده آن، نسبت به این نوع خشـونت دارد. همچنـین ایـن رفتـار، در داسـتانی کـه بـه موضوع تهمت‌زدن به یکی از همسران پیامبر اشاره دارد، به‌شدت نکوهش شـده‌اسـت: «**إِنَّ**

---

۱. إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (النور، ۱۱)

ـ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل‌عمران، ۳۶)

ـ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (التحریم، ۴)

ـ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ(البقره،۲۲۳)

ـ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ(الحجرات،۱۱)

ـ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ (یوسف، ۳۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (النور، ۱۱)؛ آیه، گروهی را که به انتشار تهمت و شایعه‌پراکنی علیه زنان پاکدامن می‌پردازند، مورد سرزنش شدید قرار داده و عذاب بزرگی را برای آنان در نظر گرفته است.

گونه‌ی دیگری از خشونت روانی علیه زنان در قرآن را می‌توان در ارتباط با تحقیر جنس دختر در دوره‌ی پیامبر و جاهلیت مشاهده کرد: آیات «أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنْثَى تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى» (النجم، ۲۱ و ۲۲) به یکی از باورهای غلط و آسیب‌زای اجتماعی اشاره دارد؛ اینکه مشرکان، دختران را متعلق به خدا و پسران را متعلق به خود می‌دانستند. این باور ریشه در نگرش‌های تبعیض‌آمیز فرهنگی داشت که دختران را کمتر از پسران ارزشمند می‌شمرد. آیه با استفهام انکاری و آمیخته به استهزاء تقسیم ناعادلانه بین پسر و دختر را مذمت می‌کند.

آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نحل[1] به این موضوع توجه کرده‌اند: عبارت «ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» بیانگر ناراحتی عمیق و اندوه شدید فردی است که از تولد دختر مطلع می‌شود؛ و نیز، عبارت «يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ» به پنهان‌کاری و اجتناب مرد از مواجهه با جامعه اشاره دارد، که خود حاکی از شدت شرم و خجالت ناشی از تولد دختر است؛ چراکه در دوره جاهلی، نگهداری از دختران، امری پست و ذلت‌آور به شمار می‌رفت. این آیات در واکنش به چنین طرز تفکرهایی، با عباراتی چون «أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» این رفتارها را تقبیح کرده و فساد فکری و فرهنگی آن دوران را مورد سرزنش قرار می‌دهند. نمونه‌های دیگری نیز از این مسئله در قرآن وجود دارد (مریم، ۲۷؛ النساء، ۱۵۶؛ النور، ۲۳؛ النسا، ۲۰)[2] اما با توجه به محدودیت این بحث، از پرداختن به آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

---

۱. وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۸) يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹)

۲. فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا

ـ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا

ـ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ـ وَ إِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

چنانچه واضح است، محور اصلی آیات مربوطه، پیشگیری از خشونت روانی علیه زنان است و به عبارتی با ارائه قوانین بازدارنده، ضرورت جلوگیری از این رفتارها را بیان کرده‌اند تا امنیت روانی زنان در جامعه حفظ شود.

۳-۳. خشوت جنسی علیه زنان در قرآن

در قرآن کریم، برخی آیات به شکل صریح و غیرصریح به پدیده خشونت جنسی علیه زنان دلالت دارند. بررسی این آیات می‌تواند فهم بهتری از رویکرد قرآن در مقابله با این نوع خشونت‌ها را فراهم کند. خشونت جنسی به معنای هرگونه عمل جنسی و تلاش برای به‌دست آوردن عمل جنسی برخلاف میل فرد است. این خشونت می‌تواند با زور فیزیکی، تهدید و موارد مشابه شکل بگیرد (وانوزن بیک، ۲۵/۲). از جمله مصادیق خشونت جنسی می‌توان به تجاوز جنسی، ازدواج اجباری، تحقیرجنسی، بهره‌کشی جنسی از افراد در شرایط نابرابر و بردگی جنسی اشاره کرد. این مصادیق در جوامع مختلف با شدت و اشکال متفاوتی رخ می‌دهند و در بسیاری از موارد قربانیان با موانع حقوقی و اجتماعی متعددی برای دستیابی به عدالت مواجه می‌شوند. برای درک دقیق‌تر خشونت جنسی و تفاوت آن با خشونت جسمی، باید گفت که هر کدام از این دو نوع خشونت، ابعاد متفاوتی دارند. خشونت جسمی معمولا شامل آسیب‌های فیزیکی است اما خشونت جنسی، تجاوز به حریم‌خصوصی و آزارهای جنسی است. به عنوان مثال، در خشونت جسمی فرد ممکن است مورد کتک‌کاری قراربگیرد اما در خشونت جنسی مجبور به برقراری رابطه جنسی با کسی شود که تمایل ندارد.

یک جنبه از خشونت جنسی در آیه ۳۳ نور مطرح شده‌است: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ» این آیه به پدیده اجبار زنان، به‌ویژه کنیزان، به فحشا و بهره‌کشی جنسی مرتبط است. در جوامع گذشته، برخی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

صاحبان برده، کنیزان خود را مجبور به تن‌فروشی کرده و از این طریق کسب درآمد می‌کردند (طبرسی، ۲۲۰/۷). در این آیه به‌صراحت این عمل نهی شده‌است و صاحبان برده از این اقدام ظالمانه برحذر داشته‌شدند. به بیانی دیگرآیه، به مالکان برده‌ها یادآوری می‌کند که باید با کنیزان خود با احترام و انصاف برخورد کنند و از تحمیل شرایط غیرانسانی، خصوصاً مرتبط با تجاوز جنسی، خودداری نمایند. باید توجه داشت که این انتقاد به رفتار مالکان نسبت به کنیزان در جامعه‌ای صورت می‌پذیرد که کنیزان از هیچ‌گونه حقوقی برخوردار نبوده و مالکان اجازه هر نوع عملی را نسبت به آنها داشته‌اند. در چنین شرایطی قرآن به انتقاد از این وضعیت و هشدار نسبت به تجاوز جنسی به کنیزان می‌پردازد که بسیار حایز اهمیت است.

بخشی دیگر از آیات مرتبط با خشونت جنسی در قرآن به اقدامات ظالمانه فرعون اختصاص دارد. به عنوان نمونه آیه ۴ سوره قصص به شکل غیرصریح به این موضوع دلالت دارد: «**إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ**»؛ فرعون با زنده نگه‌داشتن زنان و کشتن پسران، به‌نوعی از زنان برای مقاصد ناپسند خود بهره‌برداری می‌کرد. برخی مفسران (مکارم شیرازی، ۱۰/۱۶؛ صادقی تهرانی، ۹۹/۴) نیز بر این باورند که زنده نگه‌داشتن زنان در این آیه ممکن است، اشاره‌ای به بهره‌کشی جنسی داشته‌باشد. خداوند در این آیه فرعون را مفْسِد توصیف می‌کند یعنی چنین رفتارهایی را جزو اعمال فاسد و غیرانسانی به حساب می‌آورد. این موضوع در آیات دیگری مانند آیه ۴۹ بقره[۱]، ۲۵ غافر[۲] و ۱۴۱ اعراف[۳]، ۶ ابراهیم[۴]، ۱۲۷ اعراف[۵] نیز تکرار شده و رویکرد انتقادی نسبت به این موضوع را در تمامی

---

۱. وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

۲. فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

۳. وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

۴. وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

۵. وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

این موارد می‌توان مشاهده کرد.

از جمله آیه دیگری که به‌شکل غیر صریح به مسئله خشونت جنسی پرداخته‌است، آیه ۵۹ سوره احزاب می‌باشد که در آن راهکاری برای پیشگیری از این نوع خشونت ارائه شده‌است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». آیه به زنان مؤمن دستور می‌دهد که برای جلوگیری از آزار و اذیت‌های جنسی، پوشش خود را رعایت کنند. این پوشش به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از جلب توجه‌های جنسی لحاظ شده‌است.

بنابراین رویکرد آیاتِ بررسی شده، نسبت به خشونت جنسی علیه زنان، ترکیبی از نفی این پدیده، ملامت عاملان آن، و ارائه راهکارهای پیشگیرانه است. به بیانی دیگر نگاهِ به این مسئله، فراتر از یک نهی اخلاقی صرف بوده و بر ضرورت تغییر ساختارهای اجتماعی که چنین خشونتی را تسهیل می‌کنند، تأکید دارند.

۳-٤. محرومیت

محرومیت به معنای مقایسه فرد با دیگران است که باعث می‌شود او به این نتیجه برسد که شرایط زندگی‌اش نسبت به دیگران ناعادلانه‌تر است (ریوس و دی، مدخل). این محرومیت‌ها می‌توانند به اشکال مختلفی بروز کنند، مانند محرومیت از دسترسی به غذا، بهداشت، آموزش و سایر امکانات ضروری (تاونسند، ۱۲۵/۲).

از جمله آیاتی که مصداقی از خشونت ناشی از محرومیت است، آیه ۱۵ سوره نساء می‌باشد: «وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» آیه می‌فرماید که اگر زنانی مرتکب فحشا شوند، باید چهار شاهد از مردان مسلمان برای اثبات جرم آنها شهادت دهند و در صورت اثبات، باید در خانه‌هایشان حبس شوند تا زمانی که خداوند راهی برای رهایی آنان از این وضعیت فراهم کند یا مرگشان فرا رسد. این محرومیت از آزادی به‌عنوان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

یک راهکار موقتی مطرح می‌شود که هدف آن جلوگیری از فساد و اصلاح رفتار است. (نمونه مشابه الاحزاب، ۳۳[۱])

نمونه دیگر، آیه ۲ مجادله است: «**والّذِینَ یُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنّ أُمّهَاتِهِمْ إِنْ أُمّهَاتُهُمْ إِلّا اللّائِی وَلَدْنَهُمْ وَإِنّهُمْ لَیَقُولُونَ مُنْکَرًا مِنْ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنّ اللّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ**». در جامعه جاهلی، مردان با مفهوم "ظهار" همسران خود را از حقوقشان محروم می‌کردند، به این معنا که زن را از رابطه زناشویی و حقوق مرتبط با وی کنار می‌گذاشتند.

این رفتار باعث می‌شد که زن از زندگی مشترکی که در کنار همسرش می‌توانست تجربه کند، محروم شود. آیه با استفاده از عبارت «**مُنْکَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا**» به‌شکل صریح، این عمل را نادرست می‌داند. آیه ۲۲۶ سوره بقره[۲] نیز به محرومیتی مشابه «ظهار» اشاره دارد. عبارت «**لِلّذِینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ**»، دلالت دارد بر اینکه مردانی که ایلاء می‌کنند، نباید بیش از چهار ماه همسر خود را از حقوق زناشویی محروم سازند. دراقع برای این مسئله، محدودیت زمانی وضع کرده‌است و فرموده ایلاءکننده، نمی‌تواند بیش از چهارماه همسر خود را بلاتکلیف بگذارد. (نمونه مشابه آیه ۴ سوره احزاب [۳]و آیه ۳ سوره مجادله[۴]). در این آیات به شکل ضمنی و بعنوان نوعی از مجازات، این نوع از محرومیت پذیرفته شده است. گرچه بخشی از آنها، خصوصاً در بحث ظهار، می‌توان نگاهِ انتقادی قرآن نسبت به آنرا مشاهده نمود.

یکی از ابعاد محرومیت زنان که قرآن به آن پرداخته، جلوگیری کردن از ازدواج آنان است. آیه ۱۲۷ سوره نساء، می‌فرماید: «**وَیَسْتَفْتُونَکَ فِی النّسَاءِ قُلِ اللّهُ یُفْتِیکُمْ فِیهِنّ وَمَا یُتْلَی عَلَیْکُمْ فِی الْکِتَابِ فِی یَتَامَی النّسَاءِ اللّاتِی لَا تُؤْتُونَهُنّ مَا کُتِبَ لَهُنّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْکِحُوهُنّ**

---

۱. وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَی وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِینَ الزَّکَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّـهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّـهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا

۲. لِلَّذِینَ یُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ

۳. مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَیْنِ فِی جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَکُمُ اللَّائِی تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِکُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِیَاءَکُمْ أَبْنَاءَکُمْ ذَلِکُمْ قَوْلُکُمْ بِأَفْوَاهِکُمْ وَاللَّهُ یَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ یَهْدِی السَّبِیلَ

۴. وَالَّذِینَ یُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ یَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِیرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَتَمَاسَّا ذَلِکُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنّ اللّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا». در تفسیر این آیه، شیخ طوسی بیان می‌کند: مردان از ازدواج دختران یتیم جلوگیری می‌کردند تا از ارث آن‌ها بهره‌مند شوند (طوسی، ۳۴۳/۳). ممانعت از ازدواج دختران، به‌ویژه یتیمان، نمونه‌ای از محرومیت‌های ناعادلانه است که آیه رویکرد انتقادی به آن دارد.

در آیه ۱۳۹ سوره انعام نیز می‌توان با گونه‌ای از محرومیت نسبت به زنان مواجه شد: «وَقالُوا ما فی بُطُونِ هذِهِ الأنعامِ خالِصَةٌ لِذُکورِنا وَمُحَرّمٌ عَلَی أزواجِنا وَإِن یَکُن مَیتَةً فَهُم فیهِ شُرَکاءُ سَیَجزیهِم وَصفَهُم إِنّهُ حَکیمٌ عَلیمٌ»؛ در این آیه، رفتار برخی از افراد دوره جاهلیت توصیف شده که بخشی از فرآورده‌های دامی را تنها برای مردان حلال می‌شمردند و آن را بر زنان حرام می‌کردند. این عمل به‌صراحت نوعی تبعیض و محرومیت علیه زنان بود که آنان را از حق طبیعی خود برای بهره‌مندی از منابع غذایی محروم می‌کردند. چنین تصمیماتی صرفاً براساس خرافات و تمایلات مردسالارانه اتخاذ می‌گردید. چنانچه مشاهده می‌شود در ادامه‌ی آیه، وعده‌ی مجازات به این افراد داده‌شده‌است و صراحتا می‌توان نگاه انتقادی قرآن را نسبت به این نوع از محرومیت علیه زنان مشاهده کرد.

در آیه ۱۰۲ سوره بقره[۱]، عبارت «یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» دلالت بر خشونت از نوع محرومیت دارد. آیه بیان می‌کند، برخی با استفاده از سحر و جادو، فاصله و جدایی میان زن و شوهر می‌اندازند که به محرومیت آن‌ها از رابطه زناشویی و عاطفی می‌انجامد. افرادی که این محرومیت را برای دیگران ایجاد می‌کنند طبق آیه، از نعمت‌های آخرت بی‌بهره هستند.

آیه ۱۱ سوره نساء نیز ذیل بحث محرومیت قابل بررسی است. در این آیه، بنا بر عبارت "للذکر مثل حظ الانثیین" سهم زنان در مقایسه با مردان کمتر در نظر گرفته شده‌است. چنین مسئله‌ای در نگاه نخست می‌تواند نشانه‌ای از محرومیت باشد. برای فهم

---

۱. وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

دقیق‌تر، باید آیه در بستر دیگر آیات مرتبط با ارث و وظایف اقتصادی زن و مرد قرار بگیرد. در آیه ۱۹ سوره نساء، عبارت «ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن» از تحت فشار قرار دادن زنان به منظور گرفتن اموالشان نهی می‌کند. در آیه ۶ سوره طلاق نیز، مردان موظف شده‌اند پس از طلاق، زنان را از نظر مسکن و نفقه در مضیقه قرار ندهند. این دو آیه بر حفظ موقعیت اقتصادی زن در شرایط آسیب‌پذیر تأکید دارند. از این منظر، تقلیل سهم زن در آیه ۱۱ نساء در تضاد ظاهری با جهت‌گیری حمایتی آیات دیگر قرار می‌گیرد. با توجه به وظایف اقتصادی متفاوتی که برای مرد و زن در آیات دیگر مشخص شده‌است، تفاوت در میزان ارث براساس مسئولیت‌های هر یک از آنها بنظر قابل درک می‌شود. در آیه ۳۴ سوره نساء، وظیفه تأمین مالی خانواده بر عهده مرد قرار داده شده‌است. به بیانی دیگر عدالت همیشه به معنای تقسیم مساوی نیست. بنابراین، این آیه باوجودیکه از جهت خشونت از نوع محرومیت چالش برانگیز محسوب می‌شود، امّا با در نظر گرفتن دیگر آیات قرآن قابلیت تفسیر متفاوت را نیز دارا است.

در ادامه بررسی آیات مبتنی بر محرومیت علیه زنان، آیه ۸۰ سوره اعراف[۱] به شکل غیرصریح به محرومیت زنان درمیان قوم لوط اشاره دارد. در این آیه، رفتاری مورد نکوهش قرار گرفته که مبتنی بر بی‌اعتنایی به جنس مخالف است؛ موضوعی که به‌شکل غیرصریح، موقعیت طبیعی زنان را در روابط انسانی نادیده می‌گیرد و بی‌تمایلی مردان نسبت به زنان را در جامعه بعنوان نوعی محرومیت مورد انتقاد قرار می‌دهد. این موضوع در آیات دیگری نیز از جمله آیه ۵۵ سوره نمل[۲] و آیه ۸۱ سوره اعراف[۳] با رویکرد انتقادی مطرح شده است.

یکی دیگر از آیاتی که به‌شکل غیرصریح به محرومیت زنان اشاره دارد، آیه ۳۶ سوره آل‌عمران[۴] است؛ در سنت بنی‌اسرائیل، خدمت در معبد به‌طور انحصاری به مردان سپرده

---

۱. وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ.
۲. أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ.
۳. إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ.
۴. فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

می‌شد و زنان به دلیل ملاحظات فیزیولوژیکی از این مسئولیت منع می‌شدند. مادر مریم که فرزند خود را برای خدمت در معبد نذر کرده بود، با تولد دختر اظهار داشت: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى»؛ عبارتی که بازتاب‌دهنده نظام ارزشی مردسالارانه و تبعیض جنسیتی زمانه است. این پیش‌فرض فرهنگی، نمونه‌ای از خشونت روانی علیه زنان به‌شمار می‌رود؛ با این حال، پذیرش مریم توسط خداوند برای خدمت، شکستن این سنت تبعیض‌آمیز را رقم زد.

چنانچه روشن شد، در بیشتر آیات مبتنی بر محرومیت علیه زنان، دو رویکرد در مواجهه با این مسئله دیده می‌شود. در برخی موارد، با محرومیت‌های ناعادلانه مخالفت شده و بر تأمین حقوق زنان تأکید شده است. در موارد دیگر، محرومیت‌هایی برای زنان در نظر گرفته شده که به ظاهر محدودکننده‌اند، اما در راستای توازن میان وظایف زن و مرد و حفظ تعادل در تأمین نیازها و مسئولیت‌ها اعمال شده‌اند. علاوه بر این، برخی از این محدودیت‌ها به‌منظور اصلاح رفتار زنان تشریح شده‌اند.

نتایج مقاله

۱. در این پژوهش، مجموعه‌ای از آیات قرآن کریم که به‌صورت صریح یا ضمنی به موضوع خشونت علیه زنان اشاره دارند، شناسایی و تحلیل شده‌اند. این آیات در چهار گونه‌ی اصلی شامل خشونت روانی، خشونت ناشی از محرومیت، خشونت جسمی و خشونت جنسی دسته‌بندی شدند.

۲. دسته اول شامل آیاتی می‌شود که به خشونت روانی مربوط است. این دسته عمدتاً به مسائلی چون تهمت، افترا، تحقیر، و سوءاستفاده‌های روانی از زنان می‌پردازند. قرآن در مواجهه با این نوع خشونت، موضعی صریح و انتقادی اتخاذ کرده و به‌ویژه در آیات مربوط به ماجرای «افک»، بر حرمت حیثیت و کرامت زن تأکید می‌کند.

۳. دسته‌ی دوم آیات، مرتبط با خشونت جنسی هستند. این آیات اغلب ناظر به نمونه‌هایی از خشونت جنسی نظام‌مند و تاریخی، نظیر ظلم‌های فرعون نسبت به زنان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

بنی‌اسرائیل هستند. قرآن این نوع خشونت را شدیداً نکوهش کرده و بر ضرورت حمایت از زنان در برابر تعرض‌های جنسی، حفظ حریم آنـان، و رعایـت عـدالت جنسـی در جامعـه تأکید دارد. برخی از این آیـات همچنـین رهنمودهـایی بـرای جلـوگیری از بـروز چنـین رفتارهایی در نظام اجتماعی ارائه می‌دهند.

۴. دسته سوم، به خشونت ناشی از محرومیت اختصـاص دارد؛ از جملـه محرومیـت از حقوق اقتصادی، اجتماعی، و خانوادگی. این آیات، رویکرد انتقادی قرآن نسبت به تبعـیض ساختاری و نادیده‌انگاری حقوق زنان را نشان می‌دهند و بر ضـرورت عـدالت‌محـوری در مناسبات خانوادگی و اجتماعی تأکید می‌ورزند.

۵. در دسته‌ی چهارم آیات، ناظر به خشونت جسمی هستند. هرچنـد در نگـاه ابتـدایی برخی از این آیات ممکن است به مجاز شمردن خشونت جسمی تفسیر شوند، امـا تحلیـل تفسیری و سیاقی آن‌ها نشان می‌دهد که قرآن هدف کنترل، محدودسـازی، و جلـوگیری از افراط در رفتارهای خشن را دنبال می‌کند و این‌گونه آیات باید در بسـتر کلـی‌تـر عـدالت، اخلاق، و مسئولیت‌پذیری خانوادگی فهم شوند.

۶. بررسی آیات نشان داد که قرآن در اکثریت موارد، موضعی انتقـادی و اصـلاح‌گرانـه نسبت به خشونت علیه زنان اتخاذ کرده است. در اغلب آیات، رد آشکار انواع خشونت‌هـا و اعتراض به ظلم روا داشته شده بر زنان مشـهود اسـت. افـزون بـر ایـن، در هـر یـک از گونه‌های خشونت، قرآن راهکارهایی برای پیشگیری، کاهش، و در نهایت حذف خشـونت علیه زنان از ساختار اجتماعی پیشنهاد می‌دهد؛ راهکارهایی که می‌توانند مبنای یک الگوی اخلاقی و حقوقی در جوامع اسلامی قرار گیرند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌علمیه قم، مرکز انتشارات،۱۳۶۳ش

۳. احمدی افزادی، زهرا و برغمدی، اعظم، ریشه‌های خشونت علیه زنان در خانواده بر اساس فقه و قرآن. مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا، ۱۳۹۹ش.

۴. درزی، قاسم، و بنی‌طالبی، مائده، نسبت خشونت و شر در قرآن، چکیده مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر؛ مسئله شر در اندیشه جدید و اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۴۰۳ش.

۵. رجبی، زهرا، نقش و تاثیر زنان در جنگ‌های دوره مغول براساس تاریخ جهان‌گشای جوینی، مجله مطالعات تاریخی جنگ (۲)، ۱۴۰۲ش.

۶. رئیس السادات، ریحانه السادات، خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی، مجله مطالعات زن و خانواده، (ش۱) ۱۳۹۲ش.

۷. شاهرودی، محمدرضا، و بشارتی، زهرا، بازپژوهشی ضرب زنان در آیه ۳۴ سوره نساء، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۱)، ۱۳۹۲ش.

۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، بیروت، دارالمعرفه،۱۳۶۷ش.

۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن به ترجمه محمدباقر موسوی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۱۰. عباسی، علی‌اصغر، و رضایی روشن، هدی، بررسی تاثیر اشتغال زنان به رشد اقتصادی در کشورهای منتخب خاورمیانه. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، (ش۲)۱۳۹۹ش.

۱۱. عنایتی‌راد، محمدجواد، و فخار نوغانی، وحیده، و هاشمی، سیدمبین، و حیدری، عبدالباسط برداشت‌های تفسیری نادرست از قوامیت مرد بر زن و پیامد آن بر جامعه افغانستان، فصلنامه مشکوه، (ش۲) ۱۴۰۲ش.

۱۲. فتاحی‌زاده، فتحیه، و حسین‌نتاج، ناهید، و امینی، فریده، معناشناسی ساختاری واژه "ضرب" در قرآن کریم .مجله پژوهش‌های دینی، (ش۲۸)، ۱۳۹۹ش.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب. ۱۳۸۰ش.

۱۴. نوبری، علیرضا، تبیین مسئله تجویز ضرب زنان با توجه به راهبرد قرآن در موضوع خشونت خانوادگی، مجله اسلام‌شناسی و قرآن‌پژوهی جهان معاصر، (۲)، ۱۴۰۲ش .

۱۵. ویسی، محمود، و شریعتی نیاسر، حامد، ضرب زنان در فرهنگ قرآنی به معنای ترک؛ دلایل و مستندات، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، (ش۲)، ۱۴۰۱ ش.

۱۶. یاراحمدی، حسین، و ملکی، فهیمه، و غفوری، بهمن، و بلورچیان، غلامرضا، و قنبری، سعید، مجله سیاست‌ها، علل و عوامل خشونت علیه زنان در کشورهای مسلمان و ایران با نگاهی به حقوق زنان در اسلام .فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، (۲)، ۱۴۰۳ش .

۱۷. یکه‌کار، شیرین. و حسینی، سید احمد، ویژگی‌های خشونت خانگی علیه زنان و زمینه‌های فرهنگی مرتبط با آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، (ش۱۶)، ۱۳۹۷ش .

18. Al-Samharani, A. "Al mara fi al tarikh wa al shariah [Women in history and in shari'a]." Beirut, Lebanon: Dar al nafa'ah lil tiba'ah (1989).

19. Bonamigo, Victoria Grassi, Fernanda Broering Gomes Torres, Rafaela Gessner Lourenço, and Marcia Regina Cubas. "PHYSICAL, SEXUAL AND PSYCHOLOGICAL VIOLENCE ACCORDING TO RODGERS'EVOLUTIONARY CONCEPTUAL ANALYSIS." Cogitare Enfermagem 27 (2022): e82955.

20. Council-of-Europe. "Report on Psychological Violence." 2011

21. Dobash, R. Emerson, and Russell P. Dobash. Women, violence and social change. Routledge, 2003.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

22. Fortune, Marie M., and Cindy G. Enger. "Violence against women and the role of religion." In Applied Research Forum national electronic network on violence against women USA: National Resource Centre on Domestic Violence, vol. 5. 2005.
23. Ghazali, Norzulaili Mohd, Mohd Zohdi Mohd Amin, and Nadzrah Ahmad. "An Analysis of Sisters in Islam's (SIS) Misinterpretation of the Gender Equality in the Quran." Maʿālim al-Qurʾān wa al-Sunnah 16, no. 2 (2020): 31-47.
24. Hussain, Saqib. "The Bitter Lot of the Rebellious Wife: Hierarchy, Obedience, and Punishment in Q. 4: 34." Journal of Qur'anic Studies 23, no. 2 (2021): 66-111.
25. Mohammadi, Mona, and Niloufar Mikaeili. "Corona is a Suitable Platform for Increasing Domestic Violence Against Women." Psychology of Woman Journal 4, no. 1 (2023): 32-41.
26. Richters, J. A. (1994). Women, culture and violence: A development, health and human rights issue. Women and Autonomy Centre (VENA), Leiden University.
27. Rios, Kimberly, and Cameron D. Mackey. "Frustration and relative deprivation." In Oxford Research Encyclopedia of Psychology. 2020.
28. Townsend, Peter. "Deprivation." Journal of social policy 16, no. 2 (1987): 125-146.
29. Watts, Charlotte, and Cathy Zimmerman. "Violence against women: global scope and magnitude." The lancet 359, no. 9313 (2002): 1232-1237.
30. Vanwesenbeeck, Ine. 2008. Sexual violence and the MDGs. International Journal of Sexual Health, 20(1-2), 25–49.
31. Zara, Georgia, Sarah Gino, Sara Veggi, and Franco Freilone. "Sexual femicide, non-sexual femicide and rape: Where do the differences lie? A continuum in a pattern of violence against women." Frontiers in psychology 13 (2022): 957327.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]